

Hydropolitic of turkey GAP Project and its effect on environmental security of Iraq and Syria

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1. Zaki.Y, PhD
2. Asadollahi.S, PhD student

1. Assistant professor of Political Geography, Department, Faculty of Geography, Tehran University, Tehran, Iran
2. PhD student in Political Geography, Department of Political Geography, Faculty of Geography, Tehran University, Tehran, Iran

*Correspondence**

Address: Department of Political Geography, Faculty of Geography, Tehran University, Tehran, Iran
Email: asadollahi97@ut.ac.ir

Article History

Received: 08 October 2020
Accepted: 30 November 2020

Three countries, turkey, Syria and Iraq that have the common spillway and basin of Tigris and Euphrates due to increasing dependence to these rivers they have had to establish a dam and control the water streams in their territories. In this regard turkey government which is located upper than its south neighbors based on eastern south Anatolia project or GAP for developing agriculture and industry in its eastern south territory need a huge amount of water of Tigris and Euphrates. Furthermore because of dam building in its territory has decreased the share of water for Iraq and Syria. The reduction of water of Tigris and Euphrates has had negative impacts on environmental security and inappropriate political, economic and social effects on Iraq and Syria. This problem and political goals of turkey in recent decades have made the conflicts and challenges among these three countries. This research based on descriptive and analytic method and resources try to answer this question that what is the effect of hydropolitic gab project on environmental security of Iraq and Syria and what are the turkey goals of this plan? Implementing the phases of gap project in recent decades has had negative environmental impacts such as water pollution, eliminating the rare species, increasing the desertification, destroying the swamps and basins and producing hazes in Iraq and Syria and it seems that turkey government is establishing the hydrohegemony in the region.

Keywords: Environmental security, Gap project, Syria, Iraq, Turkey

هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تاثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه

یاشار ذکی PhD

استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.

سید سروش اسدالهی PhD*

دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.

چکیده

سه کشور ترکیه، سوریه و عراق که حوضه‌های مشترک آبریز و آب‌گیر رودخانه‌های دجله و فرات را در اختیار دارند، به خاطر وابستگی روزافزون به آب این رودخانه‌ها مجبور به ایجاد سد و کنترل جریان‌ات آبی داخل قلمرو خود شده‌اند. در این بین کشور ترکیه که از موقعیت بالادستی نسبت به دو همسایه جنوبی خود برخوردار است، در چارچوب پروژه آنتولی جنوب شرقی یا گاپ (GAP) به منظور توسعه کشاورزی و صنعتی سرزمین‌های جنوب شرقی خود به مقدار زیادی از آب رودخانه‌های دجله و فرات نیاز خواهد داشت و با سد سازی‌های فراوان بر روی این دو رودخانه در خاک خود مقدار آب خروجی به دو کشور سوریه و عراق را به مقدار زیادی نسبت به قبل کاهش داده است. کاهش آب دجله و فرات از زمان اجرای طرح موجب صدمات بسیاری به امنیت زیست محیطی عراق و سوریه شده است که این آسیب‌ها در ادامه پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نامناسبی برای دو کشور مذکور به بار آورده است. این مسئله به علاوه باعث به وجود آمدن تردیدهایی در رابطه با اهداف سیاسی ترکیه در چند دهه اخیر، منجر به بروز کشمکش و مناقشه‌هایی بین سه کشور شده است. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سوال است که هیدروپلیتیک پروژه گاپ چه تاثیری بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه داشته است و اهداف ترکیه از اجرای این طرح چیست؟ اجرای مرحله‌ای پروژه گاپ در طی چند دهه اخیر پیامدهای زیست محیطی بسیاری از جمله آلودگی آب، از بین رفتن گونه‌های کمیاب زیستی جانوری و گیاهی، افزایش بیابان‌زایی، شور شدن خاک، خشکی باتلاق‌ها و حوضچه‌ها و تولید ریزگردها در عراق و سوریه شده است و به نظر می‌رسد ترکیه با تکیه بر این طرح به دنبال ایجاد هیدروهمز مونی در منطقه است.

کلمات کلیدی: امنیت زیست محیطی، پروژه گاپ، سوریه، عراق، ترکیه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

نویسنده مسئول: asadollahi97@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر واحد سیاسی در ارتباط با مدیریت کلان سرزمینی موضوع مدیریت محیط و به‌ویژه منابع تجدید ناپذیر محیطی است. امروزه منابع آب به یکی از مهم‌ترین ابزار منازعات بنیادی قرن بیست و یکم تبدیل شده است که می‌تواند سرمنشاء بسیاری از تحولات جهان قرار گیرد. در این ارتباط موانع موجود بر سر راه تامین آب و شدت تقاضا، به مقوله‌ای بحران‌زا بدل شده است. این ماده حیاتی که از ابزار رقابت بین کشورها قلمداد می‌شود، در آینده‌ای نزدیک، به‌ویژه بین کشورهایی که با کمبود آب روبه رو هستند، می‌تواند سبب ساز بروز تنش و درگیری شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که برخی از نظریه‌پردازان و ژئوپلیتیسین‌ها، سده کنونی را سده هیدروپلیتیک می‌نامند. آن‌ها معتقدند منابع آب از عوامل سازنده بحران‌های ژئوپلیتیک است زیرا رقابت بین کشورها برای منابع آب مشترک و دستیابی به منابع آب شیرین، می‌تواند به دلیل تلاش کشورها برای دستیابی به امنیت ملی و کاهش منازعات منطقه‌ای باشد. چرا که منابع آب کافی برای یک کشور به معنای توسعه در بخش کشاورزی، غذای کافی، رشد اقتصادی و رفاه عمومی است. امنیت آب به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک به امنیت ملی مربوط می‌شود. به هرحال آب از مهم‌ترین شاخص‌های امنیتی در کشورهای غرب آسیا است، به‌گونه‌ای که امروزه به عنوان یک ماده حیاتی و اساسی، در حال جایگزینی با نفت است. هم‌اکنون در منطقه غرب آسیا، آب هم به‌عنوان یک عامل هم‌گرایی و همکاری و هم به‌عنوان یک عامل تنش و جدایی مطرح شده است.

حوضه‌های آبریز و رودخانه‌های مرزی به لحاظ این که در بیش از یک کشور جریان دارند، رود بین‌المللی اطلاق می‌شود. اساساً رودهایی که: (۱) از سرزمین دو یا چند کشور بگذرند. (۲) دو یا چند کشور را جدا سازند و (۳) برای دو یا چند ملت دارای اثر اقتصادی باشند، رودخانه‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند. [1] در دنیا بیش از ۲۰۰ رود بین‌المللی وجود دارد. نوع برهم کنشی میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را دربر می‌گیرد. به‌عنوان نمونه هیدروپلیتیک غرب آسیا سیاست انعطاف‌ناپذیر و سخت‌گیرانه‌ای را به کشورهای پایین دست رودخانه‌ها تحمیل می‌کند. رفتار ترکیه با کشورهای پایین دست خود شاهد خوبی برای این مورد است. به گونه‌ای که تصور سوریه و عراق از انگیزه ترکیه برای تسلط بر آب‌های دجله و فرات دستیابی به سلاحی است که بتواند سوریه و عراق را در موقعیت

سوریه و عراق، طرح‌های توسعه‌ای آبی از جمله پروژه گاپ، کردهای جنوب شرقی آناتولی، سیاست‌های آبی دوگانه و متناقض سوریه، مسئله مدیریت آب در کشورهای مجموعه و در آخر دلایل ناکامی آن‌ها در رسیدن به توافق در راستای همکاری و هم‌گرایی هیدروپلیتیک امنیتی حوضه دجله و فرات است.

مقاله بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط زیست ایران انتشار یافته در فصل‌نامه مطالعات منافع ملی در سال ۱۳۹۶ در واقع به پروژه سدسازی‌های ترکیه بر رودهای دجله و فرات پرداخته و با بررسی تاثیرات سو آن بر کشورهای همسایه اهداف امنیتی این طرح را مورد واکاوی قرار می‌دهد. البته تمرکز اصلی نویسنده، آقای علی قائم مقامی بر تاثیرات پروژه گاپ بر امنیت ملی ایران به‌ویژه امنیت ملی آن بوده است. مقاله یاد شده همچنین به مطالعه بحران آب و پروژه گاپ، آب‌های فرامرزی ترکیه، لزوم همکاری ترکیه با سوریه و عراق و برخی مسائل دیگر در این رابطه می‌پردازد.

مقاله تاثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تاکید بر دجله و فرات نوشته افشین کرمی و همکاران در فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام به اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و احداث سد‌های متعدد ترکیه و کاهش میزان آب رود فرات در سوریه و عراق پرداخته است. در مقاله سعی شده است تا اقدامات مهم ترکیه در خصوص دجله و فرات، دو شاه‌رگ حیاتی خاورمیانه بررسی شود و تاثیر این اقدامات بر روابط میان ترکیه و عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. همچنین در مقاله مذکور عنوان شده است که ترکیه هر چند در مواضع رسمی خود از همکاری با کشورهای پایین دست سخن می‌گوید اما عملاً در پی آن بوده است که با استعانت از آن به‌عنوان یک اهرم قدرتمند اقتصادی و سیاسی و با در دست گرفتن کنترل آب در این حوضه بر نقش و قدرت خود بیافزاید. در نهایت نویسندگان با بررسی اختلافات سیاسی میان ترکیه و سوریه و عراق می‌نویسند که موضوع حق آبه عراق به دلیل تمایل ترکیه به تنش زدایی با عراق مورد توافق دو کشور قرار خواهد گرفت.

کوئنتین گور و همکاران در مقاله خود با عنوان (تأثیرات پروژه جنوب شرقی آناتولی در ترکیه بر عملکرد سد تبکا و نیروگاه برق آبی در سوریه) ضمن معرفی ابعاد مختلف پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ)، در خصوص پاسخ ترکیه به شکایات مطرح شده از همسایگان پایین دست خود به تاثیرات مثبت و منفی ذخیره آب اشاره می‌کند و نویسندگان معتقدند که این طرح اثرات مثبتی را می‌تواند در هنگام خشکسالی شدید و جذب آب-های سیلاب داشته باشد. این مقاله به‌طور ویژه عملکرد مخزن آب نیروگاه «تبکا» را ارزیابی کرده و تأثیرات مثبت و منفی رژیم

آسیب‌پذیری قرار دهد. اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نگرانی‌های امنیت زیست محیطی کشورهای این حوضه مهم‌ترین دلیل بالقوه کشمکش‌های موجود است. هر چند ممکن است آب در آینده نزدیک منجر به جنگ نشود اما کمبود آن بیش‌تر از سایر مسائل بین‌المللی در دستور کار قرار خواهد داشت. همچنین باید اذعان داشت آب دیگر محدود به عامل کلیدی امنیت غذایی، نگرانی‌های بهداشتی و چالش‌های زیست محیطی نیست، بلکه اکنون نقش مهمی در بخش‌های مختلف حیاتی مختلف مانند تأثیر اقتصادی و اجتماعی و امنیت ملی ایفا می‌کند و اخیراً نیز وزن سیاسی متمایزی به‌عنوان مرجع قدرت به دست آورده است. حوضه دجله و فرات از هیدروژئومونی، به‌ویژه برای کشورهای پایین دستی، رنج می‌برد. به‌طور کلی، اختلافات در مورد منابع آب از زمانی که پروژه آناتولی جنوب شرقی (GAP) جایی که سدهای عظیمی برای کنترل آب ساخته شده‌اند و توسط منطقه بالادست انجام شده است، به اوج خود رسیده است. استرس برای دستیابی به آب به‌طرز چشم‌گیری افزایش یافته است. در حال حاضر، سد ایلیسو آماده ذخیره آب است. بسیاری از پیامدها ممکن است در آینده نزدیک در سطوح مختلف ایجاد شود: محیط زیست، بهداشت، امنیت غذایی، تغییرات جمعیتی، امنیت ملی که همگی از موارد مهم برای مبارزه با آن محسوب می‌شوند. علاوه بر این، منطقه به دلیل تأثیر تغییرات آب و هوا، تخریب محیط زیست و شهرنشینی گسترده با چالش‌های جدی روبرو است. این ترکیب بسیار پیچیده نیاز به رویکردهای جامع و خلاقانه دارد. براین اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است که با استفاده از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، ضمن بررسی ابعاد پروژه آناتولی جنوب شرقی و اهداف ترکیه از آن، تاثیرات احتمالی آن بر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های امنیتی درگیر، یعنی امنیت زیست‌محیطی دو کشور سوریه و عراق مورد واکاوی قرار گیرد. همچنین رویکرد ترکیه در اجرای طرح گاپ در قبال سوریه و عراق براساس هیدروژئومونی تحلیل شده است. در ادامه ادبیات یا پیشینه تحقیق مرتبط با موضوع این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دکتر محمدی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات، مجموعه امنیتی هیدروپلیتیک دجله و فرات از دیدگاه امنیتی و چالش‌های ناشی از سهم‌بری آب بر وضعیت ژئوپلیتیکی و مناسبات بین سه کشور ترکیه، سوریه و عراق را مورد پژوهش قرار داده‌اند. براساس دستاوردهای این پژوهش هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات بیشتر تحت تاثیر مسائلی نظیر هیدروپلیتیک امنیتی ترکیه،

هیدرولوژیکی تغییر یافته در منطقه بر تولید نیروگاه های برق را مورد ارزیابی قرار می دهد. [28]

مقاله "ژئوپلیتیک آبی دجله و فرات" نوشته ندیرالانصاری به معضل کم آبی میان کشورهای ترکیه، عراق و سوریه می پردازد و بیان می کند که قدرت غالب و مسلط به منابع آب در حوضه دجله و فرات ترکیه است و در منطقه همانند بسیاری از حوضه های دیگر عدم مدیریت یکپارچه و هماهنگ موجب شده است که در بهره برداری از حوضه آبی دجله و فرات میان بازیگران کشمکش هایی وجود داشته باشد. نویسنده معتقد است از سال ۱۹۷۰ به دلیل کمبود آب مورد نیاز، نرخ رشد بالای جمعیت و لزوم امنیت غذایی، نیاز به انرژی، تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی و تکه تکه شدن سیاسی درگیری بین مناطق ساحلی را افزایش داده است. علاوه بر این، به دلیل عدم وجود برنامه هماهنگ کننده در همه کشورهای ساحلی و شیوه های مدیریت قدیمی آب منجر به هدر رفت بسیار آب می شود. این مسئله باعث ایجاد تنش ها شده است که گاه تا مرز جنگ نیز پیش رفته است. [27]

پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی و از طریق جمع آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه ای به بررسی تاثیرات هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه می پردازد. در یافته های این تحقیق تلاش شده است تا علاوه بر استفاده از منابع داخلی از منابع خارجی نویسندگان ترک و عرب تبار نیز استفاده گردد؛ به این منظور که تا حد ممکن ابعاد و جوانب موضوع از نگاه ملیت های درگیر با آن سنجیده شود. این پژوهش در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد و از نوع شناسایی است.

چارچوب مفاهیم

۱. هیدروپلیتیک

بر پایه نظریه هیدروپلیتیک که ترکیبی متوازن از دو واژه «آب و سیاست» است و این که امروزه، آب به شکل آشکاری وارد عرصه سیاست بین المللی گردیده و تلاش های بین المللی، در جهتی سازمان دهی شده که آب به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات و چالش های بشر به مجمع عمومی سازمان ملل وارد گردیده و کمبود آب که زمانی پدیده ای محلی بود، اکنون مرزهای بین المللی را درگیر می کند. بنابراین افزایش تقاضا برای آب در قرن بیست و یکم، فشار بیشتری روی منابع آب وارد می کند و سیاستمداران و دولت ها مجبور می گردند مسائل مربوط به آب را در راس برنامه های خود قرار دهند. [9] ژئوپلیتیک آب به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت ها و دولت ها می پردازد؛ اعم از این که در داخل کشورها و یا

بین آن ها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه ای و جهانی باشد. [4] این دیدگاه ویژه به مطالعه اثر تصمیم گیری های مربوط به استفاده از آب در شکل گیری های سیاسی در روابط میان دولت-ها با یکدیگر یا روابط میان دولت ها با یکدیگر یا روابط میان دولت ها و مردم حتی یک کشور می پردازد. [14] به عبارتی دیگر هیدروپلیتیک دانشی است که با توجه به ثابت بودن میزان آب شیرین و ابعاد فزاینده ی مصرف آن به مطالعه برهم کنشی واحدهای سیاسی در سطوح محلی، منطقه ای و کروی در خصوص منابع آب شیرین و قابل استفاده می پردازد. [13] ميسنير در تعريف هيدروپلیتیک، آن را مطالعه سامان مند روابط متقابل میان دولت ها، بازیگران غیردولتی و سایر عناصر درباره استفاده انحصاری از آب های بین المللی و اعمال حاکمیت رودهایی که هم جنبه ملی و هم بین المللی دارند، می داند. [23] اساسا در رویکردهای مختلف درباره هیدروپلیتیک، روی عواملی مانند منازعات، درگیری و همکاری، بازیگری دولت ها و حضور در حوضه های آبریز بین المللی تاکید می شود. در واقع هیدروپلیتیک آثار متنوع اعم از همکاری یا منازعه و تصمیم گیری های مربوط به استفاده از آب را در شکل گیری های سیاسی روابط میان دولت ها با یکدیگر یا روابط میان دولت ها و مردم را مورد مطالعه قرار می دهد. [14]

۲. هیدروهمژمونی

عدم تقارن قدرت سیاسی در بین کشورهای یک حوضه مشترک، نقش زیادی در مناسبات بین کشورهای آن حوضه دارد و نظریه پردازانی مانند زیتون و وارنر از این پدیده تحت عنوان هیدروهمژمون یاد می کنند. هیدروهمژمون وضعیتی است که در آن کشور قدرتمند مقدار بیشتری از آب نسبت به سهم خود استفاده می کند. به نظر می رسد وضعیت هیدروهمژمونی بیشتر مربوط به قدرت سیاسی و اقتصادی یک کشور است تا این که مربوط به موقعیت بالادستی یا پایین دستی باشد. هیدروهمژمون ها تمایل به بهره برداری هر چه بیشتر از آب دارند. [24]

هیدروهمژمونی، همژمونی در حوضه یک رودخانه است که از طریق استراتژی کنترل منابع آب ایجاد می شود. این نوع استراتژی از طریق تاکتیک هایی مانند تهدید و فشار، قراردادهای ساخت و ساز تاسیسات زیر بنایی اجرا می شود و با توجه به ضعف نهادهای بین المللی، کشور قوی تر را قادر به استفاده از آب بیشتری می سازد. [25]

چارچوب نظری

۱. مجموعه امنیتی منطقه ای

این نظریه که مربوط به امنیت منطقه ای می باشد توسط بری בזان و اوله ویور در کتاب «مناطق و قدرت ها: ساختار امنیت

بین‌المللی» ارائه شده است. از دیدگاه بوزان مجموعه امنیتی به «گروهی از واحدهای سیاسی اطلاق می‌گردد که علائق امنیتی اصلی آن‌ها به حدی زیاد است که امنیت ملی آن‌ها را نمی‌توان جدا از یکدیگر ملاحظه نمود». به عقیده وی این عنوان هم شامل ماهیت تشکیل دهنده مجموعه یعنی امنیت و هم شامل ایده وابستگی متقابل جدی میان اعضا می‌باشد و این مجموعه امنیتی بر وابستگی متقابل در رقابت و نیز علایق مشترک اعضا هم دلالت دارد. وی بیان می‌دارد که با استفاده از مجموعه‌های امنیتی می‌توان چهارچوبی تحلیلی برای شناخت مستقلانه هر یک از مناطق به دست آورد که در مقایسه با سطوح ملی بهتر عمل می‌نماید. [3]

بوزان برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه امنیتی منطقه‌ای، ویژگی‌هایی را برای آن متصور است. در این رابطه وی اشاره دارد که «از لحاظ امنیتی منطقه به معنای شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت-هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند». [3] در این تعریف، دو نکته مهم و برجسته وجود دارد. نخست وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و دیگری وجود نزدیکی جغرافیایی میان اعضای مجموعه. نکته مهم‌تر همان-گونه که اشاره گردید وجود الگویی از روابط امنیتی میان اعضا می‌باشد که در واقع زیر بنای اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد.

دیگر ویژگی تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» می‌باشد. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌گردد و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوظن و ترس حاکم باشد. [3]

شرط دیگر در شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «وابستگی متقابل شدید» میان گروهی از کشورهاست که اعضای این مجموعه را تشکیل می‌دهند. منظور از وابستگی متقابل امنیتی نیز تاثیر و تاجر اعضای تشکیل دهنده مجموعه می‌باشد به طوری که هر گونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه گردد. [7] کوهن و نای بر این اعتقادند که وابستگی متقابل وضعیتی است که نیروهای خارجی تعیین-کننده آند یا تا حد زیادی تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و آن را یک وابستگی دو جانبه می‌دانند که به وضعیت‌هایی اشاره دارد که وجه شاخص آن‌ها آثار متقابل میان کشورها یا میان بازیگران در کشورهای مختلف است». تنوع بازیگران نیز باعث شده تا

علاوه بر مسایل امنیتی و نظامی، مسایل اقتصادی و رفاهی نیز اهمیت یابند و بنابراین ماهیت قدرت نیز دچار تغییر گردیده است. به علاوه آن‌ها مطرح می‌نمایند که میزان برخورداری از قدرت در نزد بازیگران مختلف، متفاوت می‌باشد و بدین صورت نابرابری قدرت میان بازیگران باعث ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن میان آنان شده است و در نتیجه میزان آسیب‌پذیری بازیگران از هم متفاوت می‌باشد. [17]

در این پژوهش هیدروپلیتیک ترکیه، سوریه و عراق با نگاه امنیتی و با استفاده از چارچوب پیشنهاد شده توسط مجموعه امنیت منطقه‌ای بری بوزان صورت می‌گیرد. مجموعه امنیتی پیشنهاد شده وی در واقع مجموعه واحدی (معمولاً از کشورها) است که فرایند امنیت‌سازی و نا امن‌سازی، برای این گروه از کشورها در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند و مشکلات امنیتی آن‌ها نمی‌تواند جدا از دیگری برطرف و یا تحلیل شود. [22] در این نگاه امنیت‌سازی در بخش دفع تهدید زیست محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ارتباط با مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی اگر کشور بالادست رودخانه قدرتمندتر از کشورهای پایین دست باشد، رسیدن به توافق سخت می‌شود. موقعیت ترکیه در برابر سوریه و عراق به همین ترتیب است. اما اگر کشور قوی‌تر در پایین دست رودخانه باشد، در مذاکرات آب دیپلماسی قدرتمندتری دارد. [15]

شولز با استفاده از تئوری ذکر شده مفهوم مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی را در حوضه رودخانه‌های دجله و فرات گسترش داد. تعریف وی از مجموعه هیدروپلیتیک امنیتی شامل آن دسته از کشورهایی است که از نظر جغرافیایی مالک و از نظر فنی استفاده کننده بخشی از رودخانه مشترک هستند. به بیان دیگر گروهی از کشورها که ملاحظات هیدروپلیتیک ابتدایی آن‌ها چنان به یکدیگر مرتبط است که هیدروپلیتیک ملی آن‌ها را نمی‌توان به درستی از یکدیگر جدا ساخت. [22] ارزیابی اثرات زیست محیطی نشان می‌دهد که پروژه گاپ در قالب حاکمیت داخلی کشورها نمی‌گنجد و تاثیرات فرامنطقه‌ای دارد از این رو، از یک سو وابسته کردن امنیت آبی به منابع آبی خارج از کشور در واقع وابسته کردن بخشی از امنیت ملی به منطقه است؛ عدم وجود ساختارهای مدیریتی در بهره برداری مشترک و حکمرانی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌تواند بهره‌برداری از این منابع را به عاملی برای ایجاد بحران بین کشورها تبدیل کند.

محیط‌شناسی

حوضه رودهای دجله و فرات

الف: دجله: رودخانه دجله با ۱۹۰۰ کیلومتر طول از کوه‌های

شرقی ترکیه سرچشمه گرفته و به سوی جنوب شرقی جریان پیدا می‌کند و ضمن تشکیل بخشی از مرز سوریه و ترکیه، وارد عراق شده و پس از پیوستن به فرات و تشکیل شط العرب به خلیج فارس می‌ریزد. مهم‌ترین شعبات رودخانه دجله عبارتند از: زاب بزرگ، زاب کوچک، دیاله (سیروان) و الازیم که همه آنها در عراق به دجله می‌پیوندند. زاب بزرگ از ترکیه، زاب کوچک و دیاله از ایران و الازیم از عراق سرچشمه می‌گیرند. عمده‌ترین شهرهایی که در کنار دجله قرار دارند، دیاربکر در ترکیه و موصل و بغداد در عراق می‌باشند. [16] شهر بغداد در محل اتصال دیاله و دجله واقع شده است و بعد از بغداد کشتیرانی در میسر آن است. در فصل بهار دبی آب این رود حدود ۵۰۰ مترمکعب در ثانیه است که در تابستان به ۱۵۰-۲۰۰ مترمکعب کاهش پیدا می‌کند. میزان دبی سالانه این رود حدود ۴۸۷ میلیارد مترمکعب است. حدود ۵۱ درصد از سرچشمه‌های دجله از ترکیه و بقیه آن از ایران و عراق و سوریه می‌باشد. [20]

ب: فرات: رودخانه فرات طولانی‌ترین رودخانه در جنوب غرب آسیاست که از ترکیه سرچشمه می‌گیرد، طول این رودخانه ۲۷۰۰ کیلومتر بوده و پس از عبور از سوریه وارد عراق شده و به خلیج فارس می‌ریزد. اگرچه کمتر از ۳۰ درصد مساحت حوضه این رودخانه در ترکیه قرار دارد ولی ۹۴ درصد از سرچشمه آن در ترکیه قرار دارد. مهم‌ترین شعبات رود فرات که در ترکیه قرار دارند، مراد و کاراسو می‌باشند، فرات در سوریه نیز دو شعبه به نام‌های خابور و بالیق دریافت می‌کند که منشا آنها نیز ترکیه است. جریان سالانه فرات حدود ۳۵/۶ میلیارد مترمکعب است. [16]

یافته‌ها

۱. هیدروپلیتیک پروژه گاپ و هیدروهمز مونی ترکیه در حوضه دجله و فرات

دولت ترکیه از دهه ۱۹۸۰ پروژه آناتولی جنوب شرقی (GAP) را در راستای ذخیره، هدایت و مدیریت منابع آبی دجله و فرات آغاز کرد. [2] براساس گزارش برنامه امنیت و تغییرات محیطی در «مرکز مطالعات ویلسون» پروژه گاپ در ترکیه یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های آبی در جهان است که روی رودهای دجله و فرات اجرا شده است. این پروژه شامل ۱۳ طرح آبیاری و برق-آبی است که در بردارنده ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق-آبی روی دجله و فرات است. تنها یکی از این سدها، سد آتاتورک نام دارد، که حدود ۴۹ میلیارد متر مکعب گنجایش دارد. «یلیسو» نیز که قرار بود در سال ۲۰۱۹ به اتمام برسد (ولی ساخت این سد پیش از موعد به پایان رسید)، نام سدی دیگر از این مجموعه است که روی دجله ساخته شده و به تنهایی ظرفیتی معادل سه برابر

بزرگ‌ترین سد ایرانی یعنی «کرخه» دارد. [8] قابل ذکر است که این پروژه می‌تواند حدود ۴ میلیون شغل ایجاد کند. [11] در رابطه با اهمیت این پروژه، در گزارش وزارت امور خارجه ترکیه عنوان شده است: سیاست منابع آبی ما در جهت تامین رشد اقتصادی و اجتماعی، امنیت آبی و مواد غذایی بر اساس روند مذاکرات با اتحادیه اروپا و تحولات منطقه‌ای طراحی و اجرا می‌شود. آب‌های جاری فرامرزی و هم ساحل ترکیه با کشورهای مجاور نه به عنوان منبع کشمکش بلکه به عنوان منبع همکاری تلقی می‌شود. ترکیه درباره آب‌های جاری فرامرزی با کشورهای مجاور از روند حل اختلافات آبی دفاع و حمایت می‌کند. ترکیه در اقلیم نیمه‌خشک قرار دارد و برخلاف تصور، منابع آبی غنی در اختیار ندارد. لذا بایست منابع آبی محدود خود را به صورت یکپارچه‌سازی و بهره‌وری کامل مدیریت و بهره‌برداری کند. در راستای این هدف بوده است که ترکیه پروژه گاپ را طراحی و اجرا کرده است. از نظر ترکیه دجله و فرات در همدیگر ادغام شده به صورت یک رودخانه به دریا می‌ریزند. لذا ترکیه بر اصل اجتناب‌ناپذیر یک حوضه آبی بودن دو رودخانه تاکید می‌ورزد. ظرفیت و حجم آب دجله و فرات براساس بهره‌برداری و بهره‌وری موثر با استفاده از تکنولوژی سیستم آبیاری نوین و استفاده بهینه سطح بالا از آب، می‌تواند نیازهای آب سه کشور ترکیه و عراق و سوریه را تامین کند. ترکیه از روند بهره‌برداری به حق و عاقلانه و مناسب و توزیع و تسهیم مفید آب و خودداری به ضرر رساندن به کشورهای مجاور دفاع کرده و معتقد است که، همه ابعاد بهره‌برداری از آب این دو رود بایست به صورت هم‌گرایانه مورد بررسی قرار گیرد. [10]

این در حالی است که پروژه عظیم توسعه جنوب شرق آناتولی آینده نگران‌کننده‌ای برای دو همسایه جنوبی ترکیه یعنی عراق و سوریه ترسیم می‌کند. با به پایان رسیدن گاپ تحولات مهمی در هیدرولوژی منطقه به وجود می‌آید و به طور چشمگیری کیفیت و کمیت آب کشورهای پایین دست دو رودخانه را کاهش خواهد داد. اهمیت و فوریت یافتن راه حلی برای چگونگی تخصیص آب دجله و فرات بارها این سه کشور را بر سر میز گفتگو کشانده است. [21] دولت ترکیه با اجرای پروژه گاپ در کشور خود به دنبال ایجاد همز مونی است. تغییر سیستم حکومتی ترکیه از نظام مطلقه امپراتوری به نظام دموکراتیک باعث ایجاد انتظاراتی در مدرن‌سازی کشور شد. پروژه گاپ در واقع تلاش در جهت ایجاد و تولید ثروت در جنوب شرق ترکیه و همچنین ذوب کردن کردها در نظام اقتصادی - اجتماعی این کشور داشته است. از سوی دیگر این پروژه نماد

برای توسعه اقتصادی و امنیت غذایی آینده در منطقه، به این معناست که سوریه و عراق به شدت نیازمند دسترسی کامل به جریان دورودخانه هستند. این دو کشور از این مساله نگرانند که جریان کاهش یافته آب به فرسایش خاک منجر شده و سطح شوری در مناطقی که در گذشته آب داشت بیشتر شده و در نهایت بحران ریزگردها و آلودگی هوا را باعث خواهد شد. علاوه بر آن قسمت‌های وسیعی از سرزمین عراق (به جز قسمت‌های شمالی) و بخش‌های وسیعی از کشور سوریه (به جز حاشیه مدیترانه) بارندگی اندکی دارند. به طوری که میانگین بارندگی سالانه در عراق (به جز مناطق شمالی و شمال خاوری)، حدود ۱۰۰ تا ۱۷۰ میلی‌متر است. بارش کم همراه با دمای بالا، بخش بزرگی از عراق و شرق سوریه را به بیابان تبدیل کرده است. [5]

۳. اثرات هیدروپلیتیکی گاپ بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه

به‌طور مشخص از دهه ۱۹۸۰ بحث محیط زیست وارد مباحث امنیتی شد؛ یعنی کارشناسان حوزه امنیت پذیرفتند که محیط زیست، این قابلیت و این مشخصه را دارد که به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی مورد بررسی قرار گیرد. دلیل آن هم این بود که محیط زیست در قالب دو مسئله تهدیدات زیست محیطی و تخریب محیط زیست، زمینه کشمکش بین کشورها و حتی واحدهای فروملی را فراهم می‌کرد و به نوعی ثبات و امنیت این جوامع را به خطر می‌انداخت، بنابراین این توانایی را داشت که در قالب یکی از مسائل مهم امنیت ملی کشورها مورد توجه قرار گیرد. بحران کمبود آب یکی از موضوعات بسیار مهمی است که در صورت عدم توجه کافی برای حل آن می‌تواند به دلیل پیامدهایی که دارد بسیار برای محیط زیست تهدیدزا شود. غرب آسیا به‌طور مشخص از مناطقی در جهان است که بخش عمده آن روی کمر بند خشک دنیا قرار دارد؛ بنابراین میزان بارش در آن اندک است. همین میزان بارش اندک در غرب آسیا نیز دست کم در این چند دهه اخیر تحت تاثیر عوامل مختلفی به سمت نوعی بحران‌زایی پیش رفته است. [12] بحران آب، خشک‌سالی و پدیده‌های زیست محیطی از این دست، کشورهای منطقه غرب آسیا و به خصوص سوریه و عراق را با چالشی پیچیده مواجه کرده است که تحت تاثیر آن مسائل زیست‌محیطی به دغدغه غالب مردم بدل شده است. براساس آمار سازمان ملل در آینده‌ای نه چندان دور حدود دو سوم مردم منطقه غرب آسیا با کمبود آب مواجه خواهند بود. تحت تاثیر این عامل پیش‌بینی می‌شود حدود یک‌سوم زمین‌های زراعی هم به علت شوری مفرط قابلیت کشت خود را از دست بدهند.

ایجاد همونی ترکیه در مقیاس حوضه آبی دجله و فرات و منطقه است. ترکیه پرآبرترین کشور در منطقه کم آب غرب آسیا است و تنها کشور در منطقه است که دارای منابع آبی بسیار مازاد بر نیاز است و قدرت سیاسی لازم برای استخراج و بهره‌برداری از آن را داراست. این کشور بارها پیشنهاد تاسیس خط لوله صلح برای تامین آب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، رژیم صهیونیستی، سوریه و فلسطین را داده است. اما این پیشنهاد از جانب کشورهای منطقه به دلیل ترس از ایجاد وابستگی و نیز کاهش کیفیت و کمیت آب، به‌عنوان اسب تروا تلقی شد و به صورت محترمانه رد شد. بنابراین اینجاست که مفهوم هیدروهمونی معنای خود را نمایان می‌سازد و بایست اذعان داشت تقابل یا همکاری میان کشورها بر سر آب‌های فراملی تا حد بسیاری تابع میزان و اعمال قدرت کشورهاست تا این که تحت تاثیر موقعیت جغرافیایی یک کشور از لحاظ قرار گرفتن در حوضه بالادست یا پایین دست و نیز قوانین بین‌المللی در مورد آب باشد. [27]

۲. هیدروپلیتیک سوریه و عراق

در سال ۱۹۱۶ با پیمان مخفی بین انگلستان و فرانسه، توافقنامه سایکس - پیکو مرزهای سیاسی فعلی را برای غرب آسیا (خاورمیانه) شکل داد. در این برهه داستان اختلافات در مورد منابع آب بین کشورهای ساحلی آغاز شد. شدت این اختلاف نظر به تدریج به ویژه در قرن گذشته به دلیل رشد سریع جمعیت، آرمان‌های ژئوپلیتیکی و اهداف مهم اجتماعی - اقتصادی، به تدریج در حال افزایش است. موقعیت حوضه دجله و فرات، به‌عنوان بخشی از منطقه غرب آسیا، بسیار تحت تاثیر وقایع ژئوپلیتیکی است، جایی که چندین جنگ آغاز شده و سه کشور ساحلی در حال بازسازی مجدد، به‌ویژه کشورهای پایین دست یعنی عراق و سوریه هستند. از این رو، این بی‌ثباتی سیاسی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر مدیریت منابع طبیعی منعکس می‌شود، خصوصاً آب به‌عنوان عنصر حیاتی که برای هر نوع توسعه بسیار مورد نیاز است. [17] اجرای طرح آبی «گاپ» ترکیه موجب نگرانی همسایگان این کشور شده است. عراق و سوریه مدعی‌اند که براساس کنوانسیون «استفاده غیرناوبری از مسیرهای آبی بین‌المللی فرامرزی» و توافقات کمیته فنی مشترک که در سال ۱۹۸۰ شکل گرفت، ترکیه باید به آن‌ها پیش از اجرای این پروژه عظیم اطلاع می‌داد، چرا که بر آب‌های دجله و فرات تاثیر می‌گذارد. این امر با این واقعیت تشدید خواهد شد که جمعیت هر دو کشور سوریه و عراق به طور قابل توجهی افزایش داشته، و نیازهای آبی تازه نیز افزایش خواهند یافت. بنابراین افزایش سطح جمعیت، افزایش اشتیاق

این بدین معنی است که رقابت بر سر دستیابی به منابع آبی به یکی از مهم‌ترین پیشران‌های مهم جنگ‌ها بدل می‌شود و به عاملی مؤثر بر سر تقویت گروه‌ها و اقدامات تروریستی بدل می‌شود. بدین ترتیب تغییرات آب و هوایی با ظاهر شدن به‌عنوان تهدیدی جهانی می‌تواند امنیت کل جهان را به چالش بکشد. منطقه غرب آسیا نیز از این امر مستثنی نبوده و با این حال به دلیل موقعیت گرم و خشک منطقه و محدودیت منابع آبی، از همان ابتدا رقابت‌های جدی بر سر بهره‌مندی بیشتر از آن‌ها در جریان بود و بیش از پنج هزار سال است که آب به موضوع اصلی بسیاری از مناقشات و درگیری‌ها بدل شده است. باعث گسترش فزاینده بیابان‌ها، نشست زمین و پدیده ریزگردها در کشورهای سوریه و عراق شده است. [12] با ادامه روند کاهش میانگین بارندگی در سال‌های اخیر و خشک‌سالی‌های پیاپی و در پی آن برداشت بی‌رویه از منابع آبی زیرزمینی، افزایش دما و در نتیجه تسریع و تشدید خشک‌سالی را در پی خواهد داشت که به نوبه خود می‌تواند مرگ بسیاری از گونه‌های جانوری، گیاهی و یا زیست‌گاه‌های طبیعی را در پی داشته باشد. برآیند چنین موضوعی گسترش بیابان‌ها و تشدید پدیده ریزگردها است که تسری آن در مناطق آسیای غربی و مرکزی نشانه‌ای از عمق خطری است که منطقه غرب آسیا را تهدید می‌کند.

تهدیدات کمبود آب در غرب آسیا و به ویژه در سوریه موجب شده است که تنش‌های داخلی و خارجی برای بازیگران منطقه به وجود آید که این مسئله لزوم مقابله با این بحران را برای آنان جدی‌تر کرده است. تحولات اخیر بهار عربی در تونس، مصر، لیبی و سوریه به دلایل مختلف، موجی از واکنش مردم نسبت به رژیم‌های دیکتاتوری و دور از دسترس مردم را در کشورهای فوق‌الذکر برانگیخت. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت که این تحركات جمعی در نتیجه کم‌رنگ شدن قراردادهای اجتماعی بین شهروند و دولت به‌ویژه در سوریه به‌وجود آمده است. رژیم اسد نسبت به تغییرات تازه در حال ظهور اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و آب و هوایی که باعث تقویت گروه‌های مخالف شد، تا حد زیادی بی‌تفاوت ماند. بر این اساس دولت دمشق نتوانست با ناآرامی‌های اجتماعی که تا حد زیادی به دلیل بدترین خشکسالی طولانی مدت و شدیدترین مجموعه خرابی محصولات زراعی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ بوده است، مقابله کند و در نتیجه این مسئله زیست محیطی به نوبه خود باعث شد تا بحران اعتراضات در این کشور تشدید شود. از این جهت اوضاع عراق از سوریه بدتر است زیرا عراق که چندین سال با خشکسالی روبرو است، هم‌اکنون در حالی که یک روند

سیاسی بسیار بی‌ثبات را در سطح داخلی و بین‌المللی طی می‌کند، سعی می‌کند نیازهای اساسی آب مردم خود را برطرف کند. عراق در حال حاضر به دلیل ساختار اجتماعی بسیار پراکنده و مبتنی بر هویت فرقه‌ای خود، در معرض تهدیدهای بسیار خارجی است و این امر با گروه جهادی سنی، پیشروی داعش در ژوئن ۲۰۱۴ به برخی از شهرهای عراق مانند موصل و تلافیر مشهود شد. مهم‌تر از همه، عدم وحدت بین نخبگان حاکم خود و رویکرد یکپارچه نسبت به روابط بین‌الملل این کشور باعث می‌شود که عراق از مقابله با مشکل فوری کمبود آب، از قدرت کمتری برخوردار باشد. [28]

در پروژه گاپ تقریباً ۴۰۰ کیلومتر از رودخانه دجله و شاخه‌های آن در بالادست سد الیسو قرار گرفته است. متخصصان مؤسسه مشهور فناوری فدرال سوئیس (ETH) اعلام کرده‌اند آبی که از این سد رها سازی می‌شود ضمن این‌که از سطوح عمیق‌تر مخزن حاصل می‌شود و دمای آن حدود ۱۰ درجه سردتر از دمای معمولی رودخانه در بهار و تابستان است، این آب در ادامه با سموم دفع آفات و کودهای کشاورزی آلوده می‌شود و علاوه بر آن اکسیژن کمی نیز به همراه دارد؛ ترکیبی از این عوامل منجر به صدمات اکولوژیکی گسترده‌ای به محیط زیست رودخانه پایین دست خواهد شد. طبیعتاً به دلیل تاثیرات مخرب عوامل یاد شده، گونه‌های جانوری و زیستی بسیار کمی می‌توانند با شرایط جدید سازگار شوند. از سوی دیگر دره دجله در حال حاضر اکوسیستم رودخانه‌ای گسترده و دست نخورده‌ای است که دارای جزایر، خلیج‌ها و ماسه سنگ‌ها و بسیاری از گونه‌های جانوری و گیاهی نادر است. با بهره‌برداری از سد الیسو احتمالاً گونه‌هایی مانند لاک‌پشت پوسته نرم فرات، صنوبر فرات و چندین پرنده خاص کمیاب و همچنین تقریباً نیمی از ۴۰ گونه ماهی که در حال حاضر در حوضه فوقانی زیست می‌کنند، زنده نمی‌مانند. در واقع تنها گونه‌های زیستی متداول و فراوان در منطقه که در بسیاری از دریاچه‌ها یافت می‌شوند، از آن بهره‌مند می‌شوند. انتظار می‌رود پیامدهای منفی زیست محیطی این پروژه تا جنوب عراق هم ادامه پیدا کند. تا جایی که پس از طغیان و سیلاب در دره دجله، زمین‌های قابل کشت کمی باقی خواهند ماند و خاک اطراف آن نیز خشک، سنگی و نابارور خواهد شد. براساس این، در حالی که حوضه فوقانی رودخانه دجله منطقه‌ای است که منبع قابل توجهی از تنوع زیستی داراست، تهدید به نابودی شده است. این منطقه که در مرز اروپا و آسیا واقع شده است، تنوع بیولوژیکی بسیاری دارد که بخش اعظم آن تا به حال مورد پژوهش و واکاوی متخصصان قرار نگرفته است. [19] در نهایت باید اذعان کرد سد الیسو بدون آن که

خاص منطقه و پدیده ریزگردها است که از این حیث کشورهای پایین دستی را با بحران امنیت زیستی مواجه خواهد کرد. اگر توافقی در زمینه حل بحران کم آبی صورت نگیرد قطعاً پیامدهای آن نیز ادامه خواهد داشت.

نتیجه گیری

بهره‌برداری از فازهای پروژه آناتولی جنوب شرقی در طی دهه‌های گذشته تأثیرات بسیاری بر حوزه‌های اقتصادی سیاسی اجتماعی و زیست محیطی خود ترکیه کشورهای پایین دست داشته است. در این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری مجموعه امنیتی منطقه‌ای بری بوزان ضمن بررسی اهداف ترکیه از اجرای پروژه آناتولی جنوب شرقی بر روی رودهای دجله و فرات، آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح مذکور و به‌طور خاص به تأثیرات زیست محیطی آن بر عراق و سوریه پرداخته شده است. در واقع کشورهای ترکیه، عراق و سوریه به‌عنوان بازیگران اصلی حوضه رودخانه‌های دجله و فرات که در یک منطقه جغرافیایی نیز قرار گرفته‌اند، مجموعه هیدروپلیتیکی امنیتی را تشکیل داده‌اند که تغییر در الگوی هیدروپلیتیکی کشور بالادست موجب تغییرات و پیامدهایی در کشورهای پایین دست رودخانه شده است. ارزیابی اثرات زیست محیطی نشان می‌دهد که پروژه گاپ در قالب حاکمیت داخلی کشورها نمی‌گنجد و تأثیرات فرامنطقه‌ای دارد؛ از این رو از یک سو وابسته کردن امنیت آبی به منابع آبی خارج از کشور در واقع وابسته کردن بخشی از امنیت ملی به منطقه است؛ عدم وجود ساختارهای مدیریتی در بهره‌برداری مشترک و حکمرانی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌تواند بهره‌برداری از این منابع را به عاملی برای ایجاد بحران بین کشورها تبدیل کند. ترکیه در اجرای این پروژه علاوه بر اینکه نیازهای آبی را در سطح ملی برآورده می‌سازد به نظر می‌رسد که اهداف سیاسی نیز در پس پرده آن داشته است و یا حداقل می‌توان این‌گونه استنباط نمود که از این طرح به‌عنوان ابزار فشاری بر کشورهای پایین دست عراق و سوریه استفاده خواهد کرد تا جایی که بتواند از آب در مقابل نفت عراق و سوریه به‌عنوان برگ برنده استفاده کند. ترکیه در پی آن است که با در اختیار گرفتن شریان‌های آبی قدرت خود را بر کشورهای همسایه به‌عنوان هیدروهمژمون منطقه تثبیت کند. همان‌طور که قبلاً پیشنهاد طرح خط لوله صلح را به کشورهای حوزه خلیج فارس و اسرائیل داده بود که با استقبال آن‌ها روبرو نشد و کشورهای اخیر این طرح‌ها را در راستای تلاش ترکیه برای ایجاد هم‌ژمونی در منطقه تلقی کردند. با توجه به آن که منطقه غرب آسیا در کمربند خشکی واقع شده و دچار خشکسالی‌های پیاپی و کاهش باران در سال‌های اخیر

تأثیراتش بر محیط زیست مناطق پایین دستی ارزیابی شود، ساخته شده است؛ همان‌طور که این موضوع در مورد بیشتر سدهای ساخته شده در منطقه صادق است. در این راستا سدسازی گسترده بر رودخانه فرات در ترکیه، از جمله موارد دیگری در این زمینه بوده که باعث کاهش شدید میزان ورود و کیفیت آب به سوریه و در ادامه عراق شده است. اکنون شاهد آن هستیم که همین موضوع تهدیدآمیز در مورد دجله نیز تکرار شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در یک مجموعه هیدروپلیتیکی امنیتی هنگامی که کشور بالادستی حوضه آبی، به‌عنوان یک بازیگر منحصر به فرد و هیدروهمژمون، بر منافع ملی خود متمرکز شود، به کنترل منابع آب و ساخت سدهای عظیم برای مدیریت و توسعه منطقه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی روی می‌آورد. در واقع بحث حاکمیت بر منابع آبی توجیهی رایج است که برای توجیه اقدامات کشور بالادست استفاده می‌شود. این موضوع دقیقاً در مورد دجله و فرات صدق می‌کند، جایی که ترکیه به‌عنوان یک کشور بالادستی قاطعانه معتقد است که از حق ملی خود استفاده می‌کند. تا زمانی که هیچ توافق محکمی بین کشورهای حاشیه رود حاصل نشود، کشورهای بالادستی بسته به سطح روابط با کشورهای پایین دستی، نمی‌توانند از تأثیر سدهای عظیم بر روی کشورهای پایین دست غافل شوند. همان‌طور که در تعریف ویژگی‌های مجموعه امنیتی اشاره شد، اساساً ساخت سدها و سازه‌های آبی مانند هر مانع دیگری باعث ایجاد سوءظن و بی‌اعتمادی میان کشورها می‌شود. معمولاً ایجاد هر مانعی بر سر دسترسی منافع جمعی یک منطقه موجب سوءاستفاده خواهد شد؛ سوءاستفاده به سوءتفاهم بیشتر منجر می‌شود و باعث ایجاد بی‌اعتمادی و در نهایت به یک درگیری بالقوه ختم می‌شود. براساس این امنیت ملی کشورهای منطقه مورد تهدید قرار می‌گیرد و باید گفت که همیشه آغاز چنین بحرانی به وسیله کشورهای بالادست صورت می‌گیرد. [18] از طرف دیگر پیامدهای کنترل آب از جانب کشور بالادستی یعنی ترکیه سرانجام به‌صورت کمبود آب در کشورهای پایین دست عراق و سوریه، بازتاب پیدا کرده است؛ به‌طوری که در دو دهه گذشته میزان قابل توجهی از سهم آبی این دو کشور به دلیل اجرای پروژه گاپ کاهش یافته است و آن‌ها را با مشکلات زیست محیطی مواجه کرده است. مهم‌ترین پیامدهای این چالش برای کشورهای پایین دست مشکلات در آبیاری مزارع، کوچک و محدود شدن کشاورزی، شوری و آلودگی آب، تغییر در اکوسیستم منطقه، از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری

شده است، بهره‌برداری نهایی از سدهای پروژه گاپ باعث شده است که سوریه و عراق به‌عنوان کشورهای پایین دستی حوضه آبی دجله و فرات از تبعات زیست محیطی آن در امان نمانند.

تشکر و قدردانی: از سردبیر و هیات تحریریه فصل‌نامه آمایش سیاسی فضا به جهت ایجاد بستری مناسب و روان برای پذیرش مقالات کمال قدردانی و تشکر می‌گردد.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: اصل امانت داری در مقوله ارجاع دهی و حق کپی رایت به نحو شایسته توسط نویسندگان رعایت شده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

۱. احمدی، سیدعباس (۱۳۸۳)، بررسی هیدروپلیتیک هیرومند، رشدآموزش جغرافیا، شماره ۶۷ صص ۴۸-۵۴.
 ۲. اسکندریان، مهدی (۱۳۸۴)، ترکیه، صص ۲۲، تهران، نشر ابرار معاصر.
 ۳. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، صص ۱۲۳-۲۱۶، مترجم ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۴. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، صص ۱۰۲، مشهد، انتشارات پاپلی.
 ۵. رشیدی نژاد، احمد (۱۳۹۸)، هژمونی در قالب هیدروهژمونی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
 ۶. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی. تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، صص ۲۷۹، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
 ۸. عبدی، عطاءالله (۱۳۹۶)، هیدروپلیتیک کردستان ترکیه، همایش دیپلماسی آب و فرصت‌های هیدروپلیتیک غرب آسیا، صص ۵، دانشگاه خوارزمی، اسفندماه.
 ۹. عزیززاده، جعفر (۱۳۸۴)، هیدروپلیتیک هیرومند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، صص ۳۴، پایان‌نامه
- کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
 ۱۰. قائم مقامی، سیدعلی (۱۳۹۵)، بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط زیست ایران، فصل‌نامه مطالعات منافع ملی، صص ۹۸-۹۹، سال دوم، شماره هفتم.
 ۱۱. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۶)؛ تاثیر مناسبات هیدروپلیتیک بر امنیت آبی، همایش دیپلماسی آب و فرصت‌های هیدروپلیتیک غرب آسیا، صص ۲، دانشگاه خوارزمی، اسفندماه.
 ۱۲. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۵)، جنگ آب در گفت‌وگو با کاویانی‌راد: ترکیه امنیت زیست محیطی منطقه را بی‌ثبات می‌کند/ کردستان عراق در تشدید ناامنی زیست محیطی نقش خواهد داشت، بازیابی شده در ۱۵ تیرماه ۱۳۹۹، صص ۲-۳.
 ۱۳. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴)، مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان، مطالعات راهبردی، شماره دوم، صص ۳۳۹.
 ۱۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، صص ۱۳۱، تهران: انتشارات سمت.
 ۱۵. محمدی، حمیدرضا، میرزایی پور، طاهره و حسین پورپویان، رضا (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات، فصل‌نامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۳۵، صص ۲۲۹-۲۶۱.
 ۱۶. مختاری هشی، حسین و قادری، مصطفی (۱۳۸۷)، هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵؛ مطالعه موردی: حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، صص ۶۲-۶۱ شماره اول.
 ۱۷. سید حسین سیف زاده. نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، صص ۴۱۸-۴۱۶.

18. Al-Muqdad, S.W.H. (2019), Developing Strategy for Water Conflict Management and Transformation at Euphrates-Tigris Basin. p9-10, Water, 11, 2037.

19. Bachmann A., Tice V., Ali Al-Obeidi L., Kiliç D., (2019), Paper for the

- Security in Africa and the Middle East. Springer, Cham
29. Warner, J. (2008), Contested Hydro hegemony: Hydraulic Control and Security in Turkey.p272-280, Water Alternatives 1, 2 .www.water-alternatives.org;
 30. <https://fa.shafaqna.com/news/303585>
 31. www.american.edu/projects/mandala//TED/ice/tigris.htm
 - Mesopotamia Water Forum, p13, Sulaymaniyah, Kurdistan Region of Iraq.
 20. Kor, Tevfik Emin (1997), Tigris-Euphrates Dispute. ICE Case Studies:
 21. Medzini. A .and Wolf .A. (2005), The Euphrates River Watershed: Integration, Coordination, or Separation? In M .Finger, L. Tamiotti, and Jeremy Allouche, eds .The Multi-Governance of Water :Four Case -Studies .Albany, NY :SUNY Press;
 22. Turton, A.R. (2001), A Hydro political Security Complex and its Relevance to SADC.In Conflict Trends, Issue 1/2001; 21 -23;2-4.
 23. Turton.A. & Roland H.,(2003): Hydropolitics in The Developing Word: a Southern African Perspective, p15,CIPS pub.
 24. Warner, Jeroen F. and Zeitoun, Mark (2008), International relations theory and water do mix: A response to Furlong's troubled waters, hydrohegemony and international water relations. Political Geography 27 (2008), pp 802-810.
 25. Zeitoun, M., and Warner, J., (2006), Hydro - hegemony.A fromeworke for analysis of transboundry water conflict. Water policy, 8, 435– 460.
 26. Goor, Q., Alia, A., van der Zaag, P., & Tilmant, A. (2007). Impacts of the southeastern Anatolia Project in Turkey on the performance of the Tabqa dam and hydropower plant in Syria. IAHS Proceedings and Reports, 315, 92-99.
 27. Al-Ansari N. (2019) Hydro Geopolitics of the Tigris and Euphrates. In: Mustafa Y., Sadkhan S., Zebari S., Jacksi K. (eds) Recent Researches in Earth and Environmental Sciences. Springer Proceedings in Earth and Environmental Sciences. Springer, Cham
 28. Oktav Ö.Z. (2017) Turkey's Water Policy in the Euphrates-Tigris Basin. In: Behnassi M., McGlade K. (eds) Environmental Change and Human